

رحمت الهه‌مهر از

د هربرت اسپنسر Spencer در سال ۱۸۲۰ در دربی، متولد شد. خانواده‌اش از نظر مذهبی تمایل به ارتداد داشتند. پدرش اهل‌دانش و تألیف بود و هیچگاه برای کسی، در هر مقامی که بود کلاه بهلامت تنظیم بر نداشت. اسپنسر معروف ترین فیلسوف انگلیسی تاچهل سالگی تعلیمات کافی نیافت و حتی پای پیاده از منزل عمویش که برای تحصیل اوسخت گیری میکرد فرار کرد حتی هنگام نوشتن کتابهای خود اعتراف میکرد که از دستور زبان انگلیسی چیزی نمیداند. از خواندن کتب خسته میشد ولی میل زیادی به تجربه و مشاهده داشت. شغل او مهندسی و طراحی پلها بود. واقع بین و عملی بود. به هنر و شعر رغبتی نداشت. سی جلد کتاب تألیف کرد و در این آثار کمتر به نظریات دیگران توجه داشته. افتخارات پیشنهادی دولت را نپذیرفت چون زن نکرقت از صفات گرم بشری عاری بود برای مکتب خود عنوان «فلسفه ترکیبی (Symthetic Philosophy)» را برگزید. طول عمرش هشتاد و سه سال بود و در سال ۱۹۰۳ درگذشت.

بررسی فلسفه

ترکیبی اسپنسر

اسپنسر فلسفه ترکیبی خود را در پنج کتاب که جمعاً ده مجله را تشکیل میدهند تشریح کرده است. این کتب عبارتند از:

- ۱ - اصول اولیه ۱
- ۲ - اصول زیست شناسی ۲
- ۳ - اصول روانشناسی ۳
- ۴ - اصول جامعه شناسی ۴
- ۵ - اصول اخلاق ۵

- 1 - The First Principle
- 2 - The Principle of Biology
- 3 « « « Psychology
- 4 « « « Sociology
- 5 « « « Ethics

این فیلسوف در کتاب (اصول اولیه) میگوید نظریات مربوط به منشاء عالم ما را به امور غیر قابل درکی میکشاند. دهری به جهان بی علت و ازلی معتقد است، خداشناس وجود را مخلوق خالق میداند و کودک نیز در قبال استدلال پیروان ادیان می پرسد «خدا را که آفرید». بهمین جهت هم آراء پیروان ادیان و هم افکار پیروان علم را نامفهوم و خارج از حوزه درک عقل میداند. او میگوید مثلاً درباره ماده میگویم از اجزاء بی نهایت کوچک ترکیب یافته ولی فوراً عقل از ما می پرسد که این اجزاء قابل تقسیم است یا نه اگر بگویم قابلیت تقسیم آنها بی نهایت است که معقول نیست و اگر هم نهایتی برای آن قائل شویم باز قابل قبول نیست ابهام حرکت سه برابر است زیرا حرکت عبارتست از تغییر ماده در زمان و تبدل وضع آن در مکان در تحلیل ماهیت ماده نیز باین نتیجه میرسیم که ماده چیزی جز انرژی نیست. انرژی برای اعضاء ما تأثیر دارد ولی از تعریف آن عاجزیم. وی میگوید هر گاه از فیزیک به روانشناسی روی آوریم باز با اشکالاتی روبرو میشویم زیرا آراء نهایی علمی حقایقی را ارائه میدهد که قابل درک نیستند عالم در مطالعات خود به رسو که متوجه شده با معمای حل نشدنی مواجه خواهد شد و خود او بهتر از همه در خواهد یافت که این معما را نمیتوان حل کرد. در اینجا به عظمت و حقارت ذهن انسانی پی می برد. عظمت او در توانایی بوصول بهمه گونه تجارب و آزمایش هاست و حقارت او در عاجز اواز وصول به ماوراء این تجارب.

او بهتر از همه درمی یابد که حقیقت نهایی هیچ چیزی قابل درک نیست و کسی به کمال ذره ای راه نمی یابد و علت مشترک این ابهام در نسبت تمام علوم است (تفکر عبارت است از نسبت و رابطه امور بیکدیگر) پس هیچ فکری کاری بیشتر از ربط و انتساب نمیتواند انجام دهد. ذهن فقط با پدیده ها و ظواهر سرو کار دارد. اگر بخواهیم ماوراء پدیده ها و ظواهر قدم نهم چیزی معلوم نخواهد شد.

اسپنسر میگوید در ملاحظه فکر و اندیشه خود درمی یابیم که فهم حقیقی که در پشت ظواهر نهان است تا چه اندازه محال میباشد و چگونه از این امتناع و عدم امکان ایمان محکم برای حقیقت پیدا میکنیم ولی خود حقیقت را در نمی یابیم آنگاه حقیقت را چنین تعریف می کند:

«حقیقت عموماً در سازگار ساختن عقاید متضاد است.»^{۴۰}

لذا علم باید متوجه شود که قوانین آن مربوط به ظواهر و اضافات است و دین باید بداند که در راه تحقق عقیده ای که با معرفت سازگار نیست کوشش میکند. بنظر اسپنسر فلسفه وظیفه اش جمع و توحید نتایج علوم است. برای ایجاد این وحدت باید همه تجاربی را که خطوط اساسی علوم را بیان میکند آموخت.

درباره قانون تطور میگوید (تطور عبارت است از تجمع ماده همراه با تجزیه

۱ - F. P. Newyork p. 56

۲ - «Truth generally lies in the coordination of antagonistic opinions»

حرکت؛ بوسیله آن ماده از یک تشابه نامعین و متصل به تنوع معین و متصل میرسد، و در این ضمن حرکت بطور موازی تغییر شکل میدهد(۱) یعنی چه؟

ظهور ستارگان از ستارگان ابری (Nebulae)، تشکیل دریاها و کوهها بر روی زمین، تبدیل عناصر به نباتات و انساج حیوانی به انسان، تکامل قلب در جنین و بقالب درآمدن استخوانها از هنگام تولد متحد شدن محسوسات و محفوظات بشکل اندیشه و آگاهی و دوباره بشکل علم و فلسفه، توسعه خانواده‌ها بشکل عشیره‌ها و قبایل و شهرها و دولت‌ها و اتحادیه‌ها و اتحادیه‌های جهانی، همه تجمع ماده است. یعنی مواد مجزا بصورت توده‌های متراکم و کل‌ها در میآید البته چنین تجمعی مستلزم کاهش حرکت در اجزاء است همچنانکه افزایش قدرت دولت‌ها مستلزم آزادی افراد است ولی در عین حال اجزاء بهم مربوط میشوند و یک ارتباط متقابل حاصل میگردد که تولید «اتصال» میکند و بقای جسم را تضمین می‌نماید.

در این تحول، اشکال و صور و وظایف معین ترمی گردند. ستارگان ابری بی‌شکلند و از آن مدار منظم بیضوی ستارگان پیدا میگردد؛ رشته کوهها و صفات خاص موجودات زنده ظاهر میشود در ساختمانی بدن و سازمان اجتماع اصل تقسیم کار بوجود می‌آید اجزای این کل متراکم نه تنها معین است بلکه در طبع عمل نیز متنوع می‌باشد سبب مضیقه Primeval-Nebula در آغاز متشابهند یعنی اجزاء آن شبیه یکدیگرند ولی تدریجاً بصورت‌های جامد، مایع و بخار در می‌آیند. یکجا زمین از گیاه سبز است؛ جای دیگر قله کوه از برف سفید است و دریا آبی بنظر میرسد زبان واحد در یک مملکت لهجه‌های مختلف پیدا میکند. سنن و آلات یک قوم هزاران شکل ادبی بخود میگردد. زبان واحد در یک مملکت لهجه‌های مختلف پیدا میکند. سنن و آداب یک قوم هزاران شکل ادبی بخود می‌گیرد. فرد رو بتکامل می‌نهد، خواص و اخلاق راسخ ترمیشوند و هر قوم و نژادی بر طبق استعداد ذاتی خویش پیشرفت میکند تجمع و تنوع اتصال اجزاء بصورت توده‌های پهناور و اختلاف اجزاء در صورت گوناگون همه کانون قانون تطوّرند. همه از پراکندگی به اتصال و وحدت می‌روند و از بساطت و تشابه به تنوع و تمعید رومی‌نهد؛ این مد تطوّر است. پس از اتصال، روپراکندگی است و سیر نزولی از تنوع و تمعید به بساطت و تشابه. این جزر تطوّر می‌باشد.

اسپنسر اضافه میکند که تشابه بطور قطع دائمی نیست. یعنی اجزاء مشابه نمیتوانند همواره مشابه بمانند زیرا قوای خارجی بر آنها تأثیر مشابه و یکسان ندارد یعنی اجزاء خارجی زودتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند. طبق قانون (کثرت نتایج) علت واحد میتواند معلول‌های گوناگون تولید کند و به تنوع عالم کمک نماید و طبق (اصل تفکیک) اجزاء نسبتاً مشابه به یک کل، پس از آنکه به حوزه‌های جداگانه کشیده میشود، تحت تأثیر محیط‌های مختلف، محصولات و نتایج مختلف میدهند چنانکه انگلیس‌ها جایی آمریکایی و جایی دیگر کانادایی و در محیط دیگر استرالیا می‌شدند و این همه تحت تأثیر استعداد زمین

و محیط است قوای طبیعت از این راههای گوناگون تنوع عالم منظور و متحولی را ایجاد میکنند آخر از همه قانون تعادل فرامیرسد هر حرکتی بر اثر مقاومت به انتها میرسد ، هر نوسان موزون بتدریج سرعت و وسعت خود را از دست می دهد مدار سیارات کمتر و کوچکتر میگردد ، تعادل جای خود را به انحلال یعنی پایان تافرجام تصور خواهد داد ، اجتماعات از هم پاشیده خواهد شد ، توده ها مهاجرت خواهند کرد ، شهرها بزندگی روستائی برخوانند گشت و خاطره نظم اجتماع از یاد خواهند رفت . زمین صحنه نمایش نمایش هرچ و مرج خواهد گشت و درام غم انگیزی از کاهش اجتناب ناپذیر انرژی خواهد بود و خود مبدل به گرد و غبار خواهد شد همچنانکه از اول بود .

در کتاب زیست شناسی ، اسپنسر تصور حیات را مورد مطالعه قرار میدهد و حیات را چنین تعریف میکند «زندگی توافق مستمر روابط درونی با روابط بیرونی است ، کمال حیات در کمال این ارتباط است و زندگی وقتی کامل است که این ارتباط کامل باشد. آنچه زندگی را برجسته و مشخص میسازد اینست که پیش از تغییر روابط بیرونی ، روابط درونی وضعی موافق با آن بگیرد . میان فرد و تولید تضادی وجود دارد . یعنی میان پیشرفت و تکامل فرد و تولید نسبت ممکوس برقرار است . هر اندازه استعداد و ظرفیت فرد بالا رود نسبت تولید رو بکاهش میرود با آنکه میان نیازمندیهای گسروهی که میخواهند به حیات ادامه دهند با توالد و تناسل يك مطابقت تقریبی وجود دارد باز نمیتوان آنرا کامل دانست در اینجا نظریه مالفوس رامبنی براینکه تزیاید نفوس از حد وسایل غذایی تجاوز می کند می پذیرد. اسپنسر نظریات داروین و لامارک را در مسئله بیولوژی و تطور مورد تأیید قرار داده است .

در مسئله روانشناسی اسپنسر در اوایل پیرو جبر علمی و ماتریالیسم بود ولی بعداً عقیده خود را در این باره تعدیل کرد. اماروش او بیشتر طرح فرضیه است و از سبک خود که اتکاء به آزمایش و اصول تجربی است دور میشود وی اصرار دارد که بگوید يك تحول مستمر از حالت سجایی تا ذهن انسانی وجود دارد که به روانشناسی اختصاص داده از ماتریالیسم دور میشود و میگوید (آیا نوسان يك ذره را با ضربه عصبی میتوان یکی دانست؟ هیچ سمی و کوشش نمیتواند این دورا شبیه هم سازد از نظر او باوصف براین برای ذهن تطور و تحولی وجود دارد. انعکاسات ساده به ترکیبات پیچیده تر تحول یافته یعنی بشکل غرایز درآمده و از راه حافظه و تخیل بعلم و عقل مبدل شده میان غریزه و عقل خلائی وجود ندارد و اختلاف در درجات است یعنی روابط در غریزه ساده و کهنه است و روابط موجود در عقل نو پیچیده و معقد میباشد. عمل عقلانی فقط يك پاسخ غریزی است. پس از مبارزه با پاسخهای غریزی دیگر زنده مانده و پیشرفت کرده است (مشاوره و اخذ تصمیم) فقط مبارزه محرکات مخالف است عقل و غریزه ذهنی و زندگی در اصل یکی است.

اراده يك اصطلاح انتزاعی است که ما بحاصل قسوی فعال خودمیدهیم و تصمیم عبارت است از تبدیل يك تصور لجام گسیخته به عمل

شاهکار اسپنسر تألیفات او در مسئله جامعه شناسی است با وجودیکه (کنت) بنیاد گذار جامعه شناسی بود ولی هیچکس با اندازه اسپنسر با این علم خدمت نکرده است بنظر او اگر اصل جبر علمی در روانشناسی صحیح است باید امور اجتماعی نیز تابع روابط علت و معلول باشد ازینرو تاریخ بشر را از روی خطوط کلی تکامل و تابع علمی حوادث در روابط ظاهر و روشن که حقایق خام و وحشی را به طرح و نقشه علمی مبدل میسازد تحقیق میکند . پیش از آنکه جامعه شناسی را میتوان علم گفت هزار مانع وجود دارد که باید از میان برداشت توهمات فراوان فردی و تربیتی و دینی و اقتصادی و سیاسی و ملی موانع این علم جدید هستند و جاهلی که مدعی هر عملی است نیز در آن مداخله میکند . یکنفر فرانسوی مدعی شد که پس از سه هفته اقامت در انگلستان میتواند کتابی راجع به آن مملکت بنویسد پس از سه ماه متوجه شد که هنوز برای این کار آماده نیست و پس از سه سال باین نتیجه رسید که اصلاً چیزی در این باب نمی داند .

اسپنسر برای جمع مواد مربوط به جامعه شناسی سه منشی استخدام کرد سپس مواد جمع آوری شده را در هشت مجله بچاپ رسانید . وی اصل تجمع و تنوع را در تمام ظواهر اجتماعی ، از دین و حکومت گرفته تا علم و هنر نافذ میدانند دین را بتداء پرستش خدایان متعدد و ارواح بوده که کم و پیش در همه اقوام یکسانند ، پیشرفت مذهب ناشی از تصور يك خدای مرکزی و برتر است که خدایان دیگر را تحت اطاعت خود در میآورد و جای هر کدام را در سلسله مراتب ، از روی عملی که انجام میدهند تعیین میکنید . شاید نخستین خدایان از راه احلام و اشباح بوجود آمده باشند . کلمه روح در اشباح و خدایان استعمال میشده است و اکنون هم میشود . اذهان ابتدائی خیال میکردند که در حال مرگ با خواب و بیهوشی روح بدن را ترک میکنند . حتی خیال میکردند که در حال عطسه شدت نفس ممکن است موجب اخراج روح شود و کلماتی که بعد از آن میگفتند از قبیل «عافیت باشد» برای اجتناب از چنین خطری بوده است .

معنی (یهوه) خدای یهود توانا و جنگجو است . وی ظاهراً نخست پادشاهی مستبد بوده و پس از مرگ بعنوان خدای سپاه پرستش شده . می بایستی دل این اشباح و ارواح خطرناک را بدست آورد . تشریفات دفن بصورت عبادت در آمد و هر امری که برای جلب محبت رؤسای دنیوی مرسوم است در تشریفات عبادت و نماز برای تسکین غضب خدایان بکار برده شد .

اسپنسر پس از بررسی نتایج جنگ و جوامع طبقاتی میگوید تا وقتی که جنگ از میان نرفته تمدن عبارت خواهد بود از وقفه و فاصله کوتاهی در میان فاصله ها و مصائب . امکان تحقق يك جامعه عالی بسته به از میان رفتن جنگ است . صنعت دموکراسی و صلح را بوجود میآورد بمحض اینکه زندگی از جنگ خلاصی یافت هزاران مرکز پیشرفت

اقتصادی تولید میشود و قدرت به نسبت وسیعی از راه صلح و صفا در میان اعضاء اجتماع تقسیم میگردد.

خرافات مذهبی جای خود را به عقاید آزادی میدهد که هدف آن اصلاح حال بشر و تعالی اخلاق در روی زمین است تاریخ عبارت میشود از تحفوق حال جامعه فعال نه جنگ پادشاهان دیگر شرح حال اشخاص قوی صفحات تاریخ را تشکیل نمیدهد بلکه شرح اختراعات بزرگ و افکار نو اساس تاریخ میشود.

* * *

اسپنسر پیوسته در جستجوی يك اصول اخلاقی نوین بود تا آنهارا جایگزین اخلاق ناشی از عقاید کهن نماید وی اخلاق نوین مورد نظر را بر پایه زیست شناسی بنا می نهد و میگوید «اگر عقیده تطور موجودات زنده پذیرفته شود بعضی مفاهیم اخلاقی بوجود خواهد آمد»

قبل از او هکسلی استدلال نموده بود که زیست شناسی نمیتواند راهنمای اخلاقی شود و مانند تنیسون معتقد بود که طبیعت با ندان و چنگال خون آلود خویش را به خشونت و مکر و امیدارد نه به عدل و محبت.

اسپنسر میگوید آن قانون اخلاقی که با اصل تنازع بقاء و انتخاب طبیعی سازگار نباشد از همان ابتداء یاوه و بیهوده است (هالی ترین رفتار آنست که به کاملترین و فراخ ترین و طولانی ترین معیشت رهبری کند) رفتار هنگامی اخلاقی است که فرد یا گروه را بهتر به - تجمع و انصال و اداریت تا به هدف تنوع نائل آیند.

اسپنسر عدالت را در این میدانست که زمین متعلق به همه باشد تا فرصت و موقعیت استفاده از آن برای همه یکسان شود ولی بعداً این عقیده را ترك کرد. از نظر او حقوق واقعی انسان عبارت است از حق زندگی و آزادی و حق جستجوی خوشبختی بطور یکسان برای همه آنجا که زندگی اقتصادی آزاد نیست تغییر شکل حکومتها بیهوده است و يك حکومت استبداد را که در امور اقتصادی مردم دخالت نمیکند بهتر از دمکراسی سوسیالیسم می دانست.

اسپنسر عقیده داشت که جز حقوق اقتصادی تمام حقوق دیگر منجمله حقوق سیاسی چیزی جز وهم نیست. بسیاری از دانشمندان عقاید اسپنسر را مورد بررسی قرار داده و در باره آثارش به نقادی پرداخته اند که شرح اجمالی آن مستلزم مقاله جداگانه ایست.